

جزوه حقوق مدنی 4 pdf

[برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید](#)

## نمونه متن جزوه:

حق میتواند هم مالی باشد و هم غیر مالی.

در فقه ما، استیلاء بر مال غیر بیان شده نه بر حق غیر و همچنین در مواد بعدی ق.م هم کلمه ی "مال" به کار رفته و فقط در ماده هست که کلمه حق بکار رفته. به واسطه همین، اکثر حقوقدان ها معتقد بر این هستند که مقصود از حق در ماده ، حق مالی یا همان مال است که اعم از اموال منقول و غیر منقول است و مشمول حقوق غیر مالی نمیشود.

پس منظور از حق غیر، مال غیر است.

آیا این حق باید مستقلا غصب بشود یا نیازی به استقلال در غصب نیست؟ مثلا شما یک خانه دو طبقه دارید، و من هر دو طبقه را از تصرف شما خارج کرده و در تصرف مادی خودم قرار میدهم به نحو عدوان ، در اینجا که شکی نیست که غصب محقق شده. اما یک وقتی من فقط یک طبقه را غصب میکنم، آیا غصب تحقق می یابد یا خیر؟ قطعاً تحقق پیدا میکند و استقلال در تصرف شرط نیست و حتی اگر بخشی از مال تصرف شود، باز احکام غصب در آن جاری است.

- به نحو عدوان :

منظور از به نحو عدوان این است که باید با سوء نیت و به صورت ظالمانه و من غیر حق، بر مالی تصرف پیدا کرد. اگر به حکم قانون یا ناشی از اشتباه باشد یعنی طرف فکر بکند که آن مال، مال خودش است ، غصب محسوب نمیشود، هر چند که در حکم غصب است و موجب ضمان.

جلسه دوم مجازی / آفلاین :

در قانون، بعضی موارد در حکم غصب، یا شبه غصب تلقی شدند که احکامشان دقیقا احکام غصب است. یعنی درست است که شرایط غصب را ندارند، اما دقیقا احکامش مثل احکام غصب است .

شبه غصب چیست؟ به طور کلی، مواردی که آغاز تصرف با اذن مالک است ولی پس از قطع اذن، متصرف به تصرفاتش ادامه میدهد.

در غصب، در ابتدا طرف عدوانا مال شما را غصب میکند. اما در حکم غصب، در ابتدا بر اساس قرارداد و توافق و رضایت استیلاء بوجود آمده بود. مثلا شما ماشینت را به من امانت داده ای این تصرف من بر مال شما عدوانی نیست ، بعد از گذشت مدتی به من مراجعه میکنید و تحویل ماشینت را میخواهی، وقتی من به هردلیلی ماشین شما را پس ندهم، از آن لحظه به بعد ، عمل من در حکم غصب است.

چرا باوجود اینکه تمامی احکام غصب را دارد، به آن غصب نمی گوئیم؟ چون در تعریف غصب قرار نمیگیرد و در ابتدا ،عدوانی نبوده.

مسئولیت غاصب:

در قوانین موضوعه کشور ما ، مسئولیت برای غاصب متصور هست : - رد عین یا بدل .- مسئول نقص و عیب بودن .

- مسئول منافع عین.

در بعضی از موارد، غاصب علاوه بر اینکه از لحاظ حقوقی مسئولیت دارد، از لحاظ کیفری هم مجرم قلمداد میشود. ماده ق.م.ا، تعزیرات : هر کس به وسیله صحنه سازی از قبیل پی کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت بندی ،نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زارعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، جنگلها و

مراتع ملی شده، کوهستانها، باغها، قلمستانها، منابع آب، چشمه سارها، انهار طبیعی و پارکهای ملی، تأسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکتهای وابسته به دولت یا شهرداریها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هر گونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می شود.

دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید.

-مسئولیت غاصب نسبت به عین مال مغضوب

ماده ق.م: غاصب باید مال مغضوب را عینا به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر بعلت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد.

رد عین، در زمانی هست که عین مال مغضوب، موجود بوده باشد. حتی اگر این مال مغضوب را در زمین یا بنا به کار برده باشیم، اگر غاصب آن را بخواهد مکلف هستیم که آن را جدا بکنیم و به مالک برگردانیم. کما اینکه در ماده گفته: هرگاه کسی در زمین خود با مصالح متعلقه به دیگری بنائی سازد یا درخت غیر را بدون اذن مالک در آن زمین غرس کند صاحب مصالح یا درخت می تواند قلع یا نزع آن را بخواهد مگر اینکه به اخذ قیمت تراضی نمایند.

یک موقعی غاصب عین مالش را میخواهد اما این عین مال که در جایی به کاررفته، اگر بخواهد جدا شود، یا مال مغضوب را از قیمت میندازد، یا خیلی کم ارزشش میکند. در اینجا تکلیف چیست؟ این موارد را قانون در حکم مال تلف شده تلقی کرده و به استناد ماده، مالک میتواند مثل مالش را در صورت مثلی بودن و قیمتش را در صورت قیمی بودن بگیرد و نمیتواند عین را مطالبه بکند.

یک موقعی ممکن است بر اثر اقداماتی که غاصب انجام داده، مال مغضوب، ارزش و اعتبار و قیمت بیشتری پیدا کرده باشد.

مثلا شما یک کیلو طلای من را غصب میکنی و با آن یک کیلو، مجسمه ای از طلا میسازی، که مثلا یک کیلو طلای من میلیون تومان میارزیده، ولی این مجسمه، میلیون تومان میارزد. در اینجا تکلیف چیست؟

اگر بر روی عین مال کار شده و ارزش افزوده پیدا کرده، عین مال باید به مالک بازگردانده شود. و غاصب هم مشمول قاعده اقدام میشود که به ضرر خودش اقدام کرده.

اما یک موقعی، افزایش قیمت ناشی از افزودن یک مال مادی به مال مغضوبه است. مثلا من یک گردنبند طلا را غصب کردم و به آن یکسری الماس و سنگ های قیمتی اضافه کردم. خب این افزایش قیمت، ناشی از افزودن الماس و سنگ ها است. که در این حالت باید عین افزوده شده را به من غاصب برگردانند و گردنبند را به مالک اصلی تحویل بدهند.

ماده: اگر در نتیجه عمل غاصب قیمت مال مغضوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت. مگر اینکه آن زیادی عین باشد که در این صورت عین زاید متعلق بخود غاصب است.

بعضی از حقوقدان ها، یکسری انتقاداتی به این ماده دارند: - اگر هدف مسئولیت مدنی، جبران خسارت زیان دیده است، ما باین عملمان باعث میشویم که طرف، ناعادلانه دارا بشود. مسئولیت مدنی برای این است که مال غصب شده ی طرف به خودش برگردد. حالا وقتی این مال ارزش افزوده پیدا کرده و شما آن را به من برمیگردانید، باید به همان قیمت ثابت به من برگردانده شود نه با قیمت افزوده شده. - و اینکه منظور ماده، علاوه بر غصب، شبهه غصب هم هست. و ممکن است طرف، بدون علم و آگاهی باعث این افزایش قیمت شده باشد. اینجا تکلیف چیست؟ - این ماده بیشتر باید در مواردی به کار برود که این ارزش افزوده، به واسطه یک شیء ملموس و یک عین معینی باشد. مثل همان الماسی که به گردنبند طلا افزوده شده.

به واسطه ی این انتقادات، نظر آخر این است که : بهتر این است که موقعی که عین به واسطه عمل غاصب ارزش افزوده پیدا کرده، ما این را در حکم تلف بدانیم و فقط حق مطالبه ی مثل یا قیمت را داشته باشیم.

در این بحث، یک استثناء داریم، که یک ماده واحده است : لایحه قانونی راجع به رفع تجاوز و جبران خسارات وارده به املاک مصوب .. ماده واحده : در دعوی راجع به رفع تجاوز و قلع ابنیه و مستحدثات غیر مجاز در املاک مجاور هر گاه محرز شود که طرف دعوی یا ایادی قبلی او قصد تجاوز نداشته و در اثر اشتباه در محاسبه ابعاد یا تشخیص موقع طبیعی ملک یا پیاده کردن نقشه ثبتی یا به علل دیگری که ایجادکننده بناء یا مستحدثات از آن بی اطلاع بوده تجاوز واقع شده و میزان ضرر مالک هم با مقایسه با خساراتی که از خلع ید و قلع بنا و مستحدثات متوجه طرف می شود به نظر دادگاه نسبتاً جزئی باشد در صورتی که طرف دعوی قیمت اراضی مورد تجاوز را طبق نظر کارشناس منتخب دادگاه تودیع نماید دادگاه حکم به پرداخت قیمت اراضی و کلیه خسارات وارده و اصلاح اسناد مالکیت طرفین دعوی می دهد و در غیر این صورت حکم به خلع ید و قلع بناء و مستحدثات غیر مجاز داده خواهد شد.

مثلا یک نفر، ساختمانی در زمین متری خودش میسازد، و ندانسته، وارد متر از زمین همسایه شده. آیا مالک زمین همسایه میتواند بگوید که آن متر را خراب بکنید؟ در صورتی که با خراب کردن این متر، ستون ها تکان میخورد و کل ساختمان خراب میشود. در این ماده واحده، چند شرط آمده که اگر اینها وجود داشته باشد، ما میتوانیم به جای خلع ید و برگرداندن عین زمین به مالک، پولش را به او بدهیم : اولاً باید مشخص بشود که متصرف حسن نیت داشته یعنی با قصد قبلی وارد زمین همسایه نشده و ناشی از اشتباه بوده باشد. دوماً باید در ملک غیر، بنا ایجاد شده باشد یعنی اگر حیاط آن ساختمان، در زمین همسایه افتاده باشد، باید به او برگردانده شود. سوماً، ضرر خلع ید، باید خیلی بیشتر از ضرر مالک باشد. در این شرایط، طبق نظر کارشناس، فقط باید پول آن زمین به صاحبش داده شود.

-مسئولیت غاصب در صورت تلف مال مغضوب یا تعذر رد عین :

در صورتیکه مال مالک تلف شده باشد، یا برگرداندن آن عین مقدور نباشد، ابتداء، اگر مال مثلی باشد، باید مثلش داده شود و اگر قیمی باشد باید قیمتش داده شود.

اما چه موقعی باید بدل پرداخته شود؟ اگر عین مال تلف نشده و بنا بر علل دیگری، نتوان آن را برگرداند، باید بدل را داد که به این بدل اصطلاحاً بدل حیلوله میگویند. حیلوله به معنی حائل شدن است. یعنی تا وقتی که خود عین پیدا شود، این بدل دست مالک است و وقتی که عین پیدا شد باید آن را بدهیم و بدل را تحویل بگیریم.

مثلا من از شما یک اسبی را غصب کردم، اگر عین اسب موجود باشد، من باید عین آن را به شما برگردانم. اگر اسب تلف شده باشد مرده باشد ، چون قیمی است، باید قیمتش را بدهم. اگر اسب فرار کرده باشد و دسترسی به آن نداشته باشم، در اینجا نه عین باقی است که خود اسب را برگردانم، و نه تلف شده که قیمتش را بدهم. در اینجا باید بدل یعنی مثل همان اسب را باید داد ولی تازمانی که آن اسب پیدا شود. وقتی که پیدا شد، باید اسب جایگزین را پس بگیرم و اسب اصلی را تحویل بدهم.